

## کمونیست‌ها و جنبش زنان

"مادامی که زنان به طور مستقیم در تولید اجتماعی شرکت داده نشده‌اند، مادامی که زیر سلطه‌ی طبقات استثمارگر هستند، مادامی که وسایل تولید در دست عده‌ی قلیلی بوده و در کنترل زنان و مردان تولید کننده نیست، مادامی که زنان حق تعیین سرنوشت خویش را در تمام جنبه‌ها ندارند هرگز و هیچ گاه نه آزادی وجود خواهد داشت و نه تساوی."

وفا جاسمی وشکوه توافچیان. اعضای رهبری سازمان  
انقلابی درایران و قربانیان کمونیست در زمان شاه  
(درباره مسئله زن- از انتشارات سازمان انقلابی -  
شهریور ۱۳۵۵)

"تاریخ سرکوب و استثمار زنان یکی از طولانی‌ترین و در عین حال  
علنی‌ترین ستم‌ها در تاریخ بشر است."

از متن سخنرانی گلرخ جهانگیری (گاهنامه)

مسئله زنان، مسئله ویژه ایست که شکل گیری، تقابل و مبارزه طبقاتی را در جامعه انسانی به وجود آورد و سازمان داد. به بیان دیگر با شروع تاریخ طبقاتی بشر، تاریخ ستم کشیدگی، استثمار مضاعف و تحقیر زنان نیز شروع گردید. از این نقطه نظر آزادی کامل زنان، با محور طبقات و تقابل طبقاتی، تحقق می‌یابد. این مسئله روشن می‌سازد که زنان بالاترین ستم و فشار را در تاریخ جوامع طبقاتی تحمل کرده اند. در این مرحله از تاریخ که بشریت در آخرین سکوی پرش به جامعه بی طبقه ایستاده است، موقعیت و نقش زنان بسیار حساس و دوران ساز است.

ایران کشوریست ۷۰ میلیونی که نیمی از آن را زنان تشکیل می‌دهند. یعنی جمعیتی برابر با ۳۵ میلیون در این نظام سرمایه داری مرد سالارانه مذهبی، تحت ستم و فشار قرار دارند. این بدان معناست که این جمعیت عظیم از بالاترین سطح جامعه یعنی در طبقات مرفه حاکم تا پائین ترین سطح آن که طبقه کارگر است، فشار و ستم ناشی از زن بودن به عنوان جنس پست تر از مرد و تحت تسلط انسان دیگر به نام مرد قرار داشتن و تمام عوارض ناشی از آن را بر دوش می‌کشند. به این جهت مبارزه زنان

جهت آزادی از این قلاده‌ها با تمام نوسانات، گرایش‌ها، سمت‌گیری‌ها و افت و خیزهایش، طیف عظیمی از مردم ما را در برمی‌گیرد.

ستم دیدگی زنان به علت تنوع مبارزه در جامعه سرمایه‌داری مذهبی و مردسالارانه ایران، چند جانبه و پیچیده است. مثلاً زن باید در خانه فرمانبردار شوهر، پدر، برادر و یا حتی فرزند ذکور خود باشد. او باید تا آن‌جا که ممکن است در خانه بماند، باید تربیت بچه‌ها را به ترتیبی که پدرسالارانه باشد به عهده بگیرد، باید تمایلات جنسی مرد را یکسویه ارضاء کند. او از نظر حقوقی نیمه انسان است. دو چشم‌اش به اندازه یک چشم مرد ارزش دارد. مجازات‌اش اما دو برابر مجازات مرد با همان تقصیر است. او حق قضاوت ندارد. ارزش نیروی کارش در جامعه بسیار کمتر از ارزش نیروی کار مرد است. زنان کارگرو بی‌شوهری که مسئولیت پرورش کودکانی را نیز به عهده دارند، با شدیدترین و بی‌رحمانه‌ترین وجه تحقیر و استثمار می‌شوند. سوء استفاده کارفرما در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها نه تنها بر زمینه خرید ارزان نیروی کار زنان بلکه بر سوء استفاده‌های جنسی از زنانی که در شرایط دردناک اجتماعی گیر کرده‌اند نیز با شدت جریان دارد و ...

به این جهت مبارزه و سازمان‌یابی زنان نیز با گرایش‌های مختلف در سطوح و اشکال متنوعی در جامعه گسترده است.

هر جا ستم هست، مقاومت هست و هر جا مقاومت هست مبارزه هم وجود دارد. ما کمونیست‌ها پرچمدار راستین مبارزه علیه عقب‌ماندگی و ستم هستیم. از این رو می‌بایست با جهل مذهبی، مناسبات پوسیده مردسالاری و ستم‌های طبقاتی از هر شکل و در هر سطحی علیه زنان مبارزه کنیم. زنان ستم‌دیده را در هر سطح و شکلی که لازم‌ه آن مبارزه است، متشکل نماییم. میدان مبارزه علیه مناسبات پوسیده، میدان ماست. زنان و مردان کمونیست می‌بایست، هر شکلی از مبارزه زنان را که می‌تواند سنگری را علیه جمهوری اسلامی فتح نماید، مورد پشتیبانی قرار داده و در آن فعالانه شرکت نمایند. از این جهت هیچ بهانه‌ای دال بر این‌که: این مبارزه لیبرالی است؛ این مبارزه ناسیونالیستی است؛ این مبارزه در طیف زنان مرفه است؛ و یا این مبارزه اکونومیستی است، توجیهی جهت دوری ما از این اشکال و سطوح مبارزه نمی‌تواند باشد. ما نمی‌توانیم و نباید به بهانه این‌که این شکل و سطح از مبارزه زنان رادیکال نیست در آن شرکت نکنیم، به تقویت نکات مثبت‌اش نکوشیم، کمک در تکامل آن ننماییم و آن را نگسترانیم. هر گونه دوری آگاهانه از جنبش زنان، دوری آگاهانه از مبارزه است. پاسیویته و منزله طلبی است.

در عین حال جنبش زنان در جامعه سرمایه‌داری - مذهبی ایران ماهیت طبقاتی دارد. یعنی خواست‌ها، شعارها و اهداف هر بخشی از جنبش زنان مه‌ری از یک طبقه اجتماعی خاصی را بر پیشانی خود دارد. بخشی از جنبش زنان ساخته و پرداخته هیئت حاکمه با دست بعضی از نمایندگان

زن می‌باشد. این بخش از جنبش زنان با ایجاد رفرماهای آبکی در چهار چوب رژیم سرمایه داری مذهبی از حرکت باز می‌ماند:

افتخاری، عضو فراکسیون زنان مجلس می‌گوید: "در صورت تصویب نهائی طرح منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان، زن به عنوان یک انسان کامل از لحاظ حقوقی در نظر گرفته می‌شود." و یا "کسانی که دیدگاه‌های فمینیستی را در جوامع غربی تبلیغ می‌کنند به این نتیجه رسیده‌اند که اعتقادات آنان جوابگوی تمام حقوق زن نیست."

این دو نقل قول به روشنی نشان می‌دهند که اولاً خودشان اقرار کرده‌اند که در جمهوری اسلامی، زن، انسان کامل نیست. باید بشود. دوماً این که می‌خواهند زن کامل را در رژیم سرمایه‌داری بویژه اسلامی آن به وجود آورند. با توجه به این که در رژیم‌های سرمایه داری لائیک نیز زن، انسان کامل به حساب نمی‌آید. به بیان دیگر افتخاری و شرکاء می‌خواهند جنبش زنان را با محتوای سازمان دهند که بدان وسیله پای زنان میهن ما را قرن‌ها در زنجیر اسارت سنت‌های پوسیده مذهبی و مناسبات مرد سالاری بیچانند و از آن به عنوان نیروئی در حفظ رژیم جمهوری اسلامی سود جویند.

در قطب دیگر سازمانها و شخصیت‌هایی از زنان در پیوند با جنبش پرولتری و کمونیستی ایران می‌باشند و آزادی زنان را در سرنگونی بورژوازی، ساختمان سوسیالیسم و عروج به قله جامعه بشری یعنی کمونیسم می‌بینند. لایلا دانش پس از توضیح دقیق ناکامی جنبش زنان در جامعه مذهبی سنتی و جامعه سرمایه داری، چنین می‌گوید: "در چنین شرایطی پیشروی جنبش زنان برای غلبه بر معضلات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی‌ای که زنان را به بند کشیده، تنها و تنها در فراتر رفتن از سنت و مدرنیته است."

چنان که می‌بینیم، جنبش زنان منجمله جنبش فمینیستی آن تابع تقابل طبقاتی، قطب بندی شده است. از این جهت ما نمی‌توانیم برای همه آنها دستاوردهای انقلابی بتراشیم و از سمت و سوی آنها در یک سطح دفاع کنیم. چنین دفاعی از جنبش زنان و به ویژه جنبش فمینیستی ایران مرزهای طبقاتی را مخدوش می‌سازد و در مقابل رشد آگاهی طبقاتی زنان میهن ما مانع ایجاد می‌کند.

روناک آشناگر، یکی از فعالین جنبش زنان چنین می‌گوید: "پرچم مبارزه ای که مسئله زن را از منظر طبقاتی مد نظر دارد، نمی‌تواند در دست زنان و مردان "نخبه" ای باشد که می‌کوشند مطالبات زنان را مجزا از بستر موقعیت اجتماعی و طبقاتی زنان در کار، تولید و معیشت ببینند. این پرچم نمی‌تواند در دست زنان و مردانی باشد که مطالبات زنان کارگر و زحمتکش را به یک سری خواست های فرهنگی و حقوقی محدود می‌سازند."

بدین ترتیب، کمونیست‌ها در عین حال که وظیفه دارند در تمام این جنبش‌ها فعال باشند و از مبارزات به حق زنان هر قدر هم که ناچیز باشند دفاع کنند ولی مطلقاً نمی‌بایست تابع گرایش‌ها گاه منحط و گاه

منحرف درون این جنبش‌ها شوند. کمونیست‌ها در هر جنبشی به ویژه در جنبش زنان باید بتوانند آن‌ها را وسعت و عمق ببخشند. آن‌ها را به سمت پیوند با جنبش کارگری و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی سوق دهند و آماده پذیرش آن جامعه‌ای گردانند که در آن کلیه‌ی قید و بندهای طبقاتی و مردسالاری را بر زمین می‌گذارند.

شرکت کمونیست‌ها در سازمان‌ها و تشکلاتی که بر بنیان درخواست‌های زنان در جامعه به وجود آمده است، به مفهوم این نیست که ما می‌بایست در این تشکلات مسائل ایده‌ئولوژیک – سیاسی را بدون ارتباط با مسائل مشخص آن تشکل مطرح کنیم و آن را از خصلت واقعی‌اش به بیراهه بکشانیم. ما می‌بایست بر متن مبارزه مشخص و مرحله‌ای آن تشکیلات به روشنگری، بالابردن سطح آگاهی خود و دیگران، گسترش آن و یافتن حلقه‌ی ارتباط آن با دیگر بخش‌های جنبش به ویژه جنبش طبقه‌ی کارگر، بپردازیم.

جنبش زنان جنبش ویژه‌ایست که باید با تمام ویژگی‌هایش مستقل بماند. اگر هر بخشی از جنبش کمونیستی تحت کنترل خودش، بخشی از جنبش زنان را در گتو بگذارد و دور آن را حصار ببندد، جنبش زنان نیز به سرنوشت جنبش کمونیستی ایران تکه تکه خواهد شد. استقلال جنبش زنان باعث می‌گردد که تمام بخش‌های جنبش کمونیستی، دموکراتیک و لائیک برای پیش برد برنامه‌های مثبت و گسترش آن بکوشند و کمونیست‌ها با طرح نظرات خود و مبارزه‌ی سالم روی خط مشی و برنامه جنبش زنان به هم نزدیک‌تر شوند.

ژ. کاویان